

بیانات در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت - 31 شهریور / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

خوشامد عرض میکنم به همهی برادران و خواهران عزیز و میهمانان هفته‌ی وحدت و نمایندگان کشورهای اسلامی در تهران، و تبریک عرض میکنم میلاد نبی اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت امام صادق (سلام الله علیه) را و امیدواریم ان شاء الله خداوند متعال این روز را عید قرار بدهد و مبارک کند برای ملت ایران و همهی امت اسلامی و مسلمانان جهان. تشکر میکنم از آقای رئیس‌جمهور محترممان که نکته‌ی اصلی و مهم امروز را ایشان در بیانات خوب خودشان بیان کردند؛ مسئله‌ی «وحدت اسلامی» که بنده هم اشاره خواهم کرد؛ ان شاء الله.

روز میلاد پیغمبر (علیه و آله السلام) یک روز استثنائی است در تاریخ. علت هم این است که ولادت نبی مکرم، مقدمه‌ی ضروری و لازم نبوت ختمیه است و نبوت ختمیه در واقع نسخه‌ی نهایی و کامل برای سعادت و تعالی بشر است؛ بنابراین روز میلاد، روز بسیار مهمی است.

من یک جمله، یک کلمه درباره‌ی این حرکت عمومی پیامبران عرض کنم. اگر ما حرکت عام تاریخ بشر را تشبیه کنیم به یک کاروان که در راهی در حرکت است و بشر در این حرکت تاریخی در مسیر زمان، در بستر زمان در حال حرکت و پیشرفت است، قطعاً کاروان سالار و راهبر این کاروان، انبیای الهی هستند. انبیای الهی، هم راه را نشان میدهند، هم قدرت تشخیص جهت‌یابی را در آحاد انسان و در افراد انسان تقویت میکنند. صرفاً راه نشان دادن نیست، [بلکه] قدرت و توانایی تشخیص را در آحاد بشر بالا میبرند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام): لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ ... وَيُثْبِتُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ. (۲) با مردم این جور رفتار میکنند: فطرت را بیدار میکنند، نیروی خردورزی و اندیشه را فعال میکنند، به کار می‌اندازند و بشر به این وسیله میتواند به طرف جلو حرکت کند. البته در طول زمان، در برهه‌هایی افراد این کاروان، یعنی آحاد بشر، به حرف انبیا گوش کردند، راهی را که آنها نشان دادند رفتند و نتایجش را دیدند؛ در برهه‌هایی هم بعکس، در مقابل انبیا ایستادند، به حرف آنها توجه نکردند، هدایت آنها را نادیده گرفتند، آنجا هم تبعات و نتایج سوئس را مشاهده کردند؛ همین گونه‌گونی‌ها در تاریخ بشر که گاهی بعضی هدایت شده‌اند، بعضی هدایت نشده‌اند، این عوارض حیات تاریخ بشر را به وجود آورده؛ یعنی جبهه‌بندی‌ها را، تعارضها را، حق و باطل‌ها را، ایمانها را، کفرانها را به وجود آورده؛ تصویر کلی تاریخ بشر این است.

انبیا این هدایت و رعایت و کمک به بشر و این دعوت را هم با طرق مختلفی انجام دادند؛ قرآن همهی این طرق را در بخشهای مختلف بیان فرموده؛ حالا من چند موردش را مثلاً عرض بکنم. یک جا «و ما عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (۳) است. [میفرماید] پیغمبر وظیفه‌اش «رساندن» است؛ فقط همین؛ و ما عَلَيْنَا؛ غیر از این چیز دیگری، وظیفه‌ای ندارد؛ در یک شرایطی این جور [است]؛ اما در یک شرایطی هم «ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ (۴) باید مورد «اطاعت» قرار بگیرد؛ یعنی تشکیلات سیاسی درست کند، جامعه را حرکت بدهد و موظفند گوش کنند، اطاعت کنند و مانند اینها. یک جا میفرماید: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ (۵) شیوه‌ی دعوت میشود این؛ یک جا هم میفرماید: «وَ كَاتِبِينَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَيْبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۶) تا آخر. یک جا زبان خوش است، یک جا قدرت نظامی است؛ بسته به شرایط است.

یا در یک جا میفرماید: فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ. (۷) تعبیر «غلظت» را در اینجا به کار میبرد: غَلِيظَ الْقَلْبِ ؛ اگر این جور بود، نمیتوانستی این حرکت را انجام بدهی. یک جا دیگر میفرماید: جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ ؛ (۸) همان «غلظت» را توصیه میکند. بنابراین شیوهی دعوت یک جور نیست. شیوهی دعوت پیغمبران در شرایط مختلف، در زمانهای مختلف، در مکانهای مختلف تفاوت پیدا میکند. اینکه میگوییم عقل بشر را بالا ببرند، قدرت تشخیص را بالا ببرند، معنایش همین است که در هر زمانی ببینند چگونه میتوانند این دعوت را اشاعه بدهند، این دعوت را پیش ببرند.

خب اینهایی که عرض کردیم، توصیف است. در این کاروان عظیم تاریخ بشر گفتیم انبیا کاروان سالارند ؛ در خلال سلسلهی این راهبران و قافله سالاران، بدون تردید کاروان سالار حقیقی و نهایی و اصلی، وجود مقدس حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) است. به قول آن عارف بزرگ:

در این ره انبیا چون ساربانند

دلیل و رهنمای کاروانند

وز ایشان سید ما گشت سالار

هم او اول، هم او آخر در این کار (۹)

«اول» است، چون در مقدم صفوف پیغمبران الهی قرار دارد ؛ «آخر» است، چون کاملترین و نهاییترین برنامهی الهی را به بشریت عرضه میکند.

خب، روز میلاد پیغمبر طبعاً روز طلوع این خورشید است، روز رونمایی از این گوهر بی همتای عالم وجود است ؛ بنابراین روز بزرگی است، روز مهمی است. ما نباید دست کم بگیریم روز میلاد پیغمبر را. خب باید درس بگیریم ؛ صرف توصیف و تمجید که کفایت نمیکند. درس پیغمبر، یک درس کامل و جامع و همه جانبه است که برای همهی زندگی است ؛ هر بخشی از این، قابل تبیین و تشریح و توصیف فراوان است.

یکی از این درسهای زندگی پیغمبر و دعوت پیغمبر را – که شاید یکی از بزرگترین درسهای نبوی برای ما این است – من عرض میکنم و آن عبارت است از: اَمَّتِ سَازِي ؛ تشکیل «امّت اسلامی». آن مبارزات سیزده ساله ی مکه منتهی شد به هجرت که پایه گذاری امّت اسلامی است. امّت اسلامی با هجرت کلید خورد، با سختیها و دشواریها و گرسنگیها و سختیهای اهل صُفّه (۱۰) و مردم مدینه – که مهاجرشان یک جور، انصارشان یک جور [سختی کشیدند] – ادامه پیدا کرد ؛ با مجاهدتها، مبارزهها، فداکاریها امّت اسلامی تحکیم شد ؛ با فداکاریهایی که در دوران حیات مبارک پیغمبر انجام گرفت و گذشتها و ایثارهایی که بعد از رحلت آن بزرگوار انجام گرفت، این امّت پایدار ماند. البته بهتر از آنکه اداره شد میتواندست اداره بشود لکن امّت اسلامی به عنوان یک امّت که بنای آن را پیغمبر اکرم در مدینه با جمعیت محدود گذاشته بود، باقی ماند. ما امروز به این درس احتیاج داریم ؛ ما امروز فاقد امّت اسلامی هستیم. کشورهای اسلامی زیادند، نزدیک دو میلیارد مسلمان در دنیا زندگی میکنند اما عنوان «امّت» را نمیتوان بر این مجموعه گذاشت ؛ چون هماهنگ نیستند، چون یک جهت نیستند.

امّت یعنی مجموعهی انسانهایی که در یک جهت، به سوی یک هدف، با یک انگیزه دارند حرکت میکنند ؛ ما این جور نیستیم، ما متفرقیم. نتیجهی این تفرق، سلطه ی دشمنان اسلام است ؛ نتیجهی این تفرق این است که فلان کشور اسلامی احساس میکند اگر بخواهد خودش را نگه دارد، باید به آمریکا تکیه کند ؛ اگر متفرق نبودیم، این نیاز احساس نمیشد. ما میتوانستیم پشت در پشت هم، دست در دست هم از امکانات یکدیگر استفاده کنیم، به هم کمک کنیم، یک «واحد» را تشکیل بدهیم ؛ این واحد از همه ی قدرتهای امروز دنیا میتواندست قوی تر باشد. کمالینکه یک روز این جوری بود ؛ با همه ی اشکالات و ایرادهایی که در آن وضع وجود داشت، در عین حال چون یکی بودند، قدرت

محسوب میشدند؛ ما امروز این جور نیستیم. این بزرگ‌ترین درس امروز ما است؛ باید به هم نزدیک بشویم.

ما امروز نیازمند تشکیل امت اسلامی هستیم؛ یعنی باید دنبال این برویم. چه کسی میتواند در این زمینه کمک کند؟ دولت‌ها میتوانند تأثیر بگذارند؛ البته انگیزه در دولت‌ها خیلی قوی نیست. آنهایی که میتوانند این انگیزه را قوی کنند، خواص دنیای اسلامند؛ یعنی همین شماها: سیاستمداران، علما، دانشمندان، دانشگاهیان، طبقات بانفوذ و صاحب فکر، شعرا، نویسندگان، تحلیلگران سیاسی و اجتماعی، اینها میتوانند اثر بگذارند. فرض بفرمایید اگر ده سال همه‌ی مطبوعات دنیای اسلام بر روی اتحاد مسلمین تکیه کنند، مقاله بنویسند، شاعر شعر بگوید، تحلیلگر تحلیل کند، استاد دانشگاه تبیین کند، عالم دینی حکم کند، بلاشک در طول این ده سال وضعیتی بکلی عوض خواهد شد؛ ملت‌ها که بیدار شدند، ملت‌ها که علاقه‌مند شدند، دولت‌ها ناچار میشوند در آن جهت حرکت بکنند. خواص میتوانند این کار را انجام بدهند؛ این وظیفه‌ی ما است.

البته این حرفی که بنده عرض میکنم - ایجاد این وحدت و تشکیل امت اسلامی - دشمنانی دارد؛ دشمنان اسلام؛ روی «دشمنان اسلام» فکر کنید، تکیه کنید؛ دشمن فلان کشور، مهم نیست؛ کسانی هستند دشمن اسلامند، ولو به یک بخشی از مسلمین بظاهر خودشان را نزدیک میکنند برای اینکه یک بخش دیگر را نابود کنند اما در واقع دشمن اسلامند؛ اینها نمیخواهند این امت اسلامی تشکیل بشود؛ اینها نمیخواهند این اتحاد به وجود بیاید؛ اینها گسلهای مذهبی درون دنیای اسلام را فعال میکنند.

یکی از مشکل‌تراش‌ترین گسلهای موجود بین جوامع، گسل اعتقادی و دینی است، مثل گسلهای زلزله. اگر چنانچه این گسل فعال بشود، خیلی آسان نمیشود این گسل را خاموش کرد. جنگهای صلیبی دوپست سال طول کشید و واقعاً صلیبی بود؛ واقعاً جنگ دینی بود و روی تعصبات دینی این کار انجام گرفت. نمیگذارند، نمیخواهند بگذارند. باید بر خواست دشمن فائق آمد. اینکه امام بزرگوار ما از قبل از پیروزی انقلاب بر روی وحدت دنیای اسلام و وحدت شیعه و سنی این همه تکیه کرده‌اند، به خاطر همین است؛ چون قدرت دنیای اسلام ناشی از اتحاد است و دشمن عکس این را میخواهد و بعکس این عمل میکند و تلاش میکند. این درس امروز ما از حضرت است.

البته این را هم ما خودمان و مردم کشور خودمان توجه داشته باشیم که اگر ما میخواهیم پیام ما، پیام وحدت ما، در دنیا صادقانه تلقی بشود، باید بین خودمان این اتحاد را ایجاد کنیم. اختلاف سلیقه و اختلاف نظر و اختلافات سیاسی و امثال اینها نباید در همدستی و هم‌بازویی و همگامی ملت و همدلی ملت تأثیر بگذارد؛ دنبال اهداف حقیقی باید حرکت کنیم. اگر این اتفاق افتاد، آن وقت دیگر دشمن نمیتواند به موجود لجن فاسد خبیثی مثل رژیم صهیونی این اجازه را بدهد که این همه جنایت را در این منطقه انجام بدهد. امروز ببینید رژیم صهیونی چه میکند! یعنی جنایتهایی که انجام میدهند بدون شرم، بدون پنهان‌کاری [است]؛ در غزه یک جور، در کرانه‌ی باختری یک جور، در لبنان یک جور، در سوریه یک جور؛ جنایت میکنند به معنای واقعی کلمه. طرفشان مرد جنگی نیست، طرفشان آحاد مردمند. در فلسطین به مردان جنگی نتوانستند ضربه‌ای وارد کنند، خشم جاهلانه و خباثت‌آلود خود را سر بچه‌های کوچک، سر بیماران بیمارستان‌ها، سر مدارس فرزندان نورسیده خالی کردند. این به خاطر این است که ما از قدرت درونی خودمان استفاده نمیکنیم؛ باید استفاده کنیم. این قدرت درونی میتواند رژیم صهیونی را، این غده‌ی سرطانی خبیث را از قلب جامعه‌ی اسلامی یعنی فلسطین بردارد و ازاله کند و نفوذ و تسلط و دخالت زورگویانه‌ی آمریکا را در این منطقه از بین ببرد؛ [ما] میتوانیم.

امروز قدم اول و اولین کار در اتحاد دنیای اسلام بر ضد این باند جنایتکار و باند تروری که بر فلسطین حکومت میکنند و قصف (۱۱) کردند سرزمین فلسطین را، این است که کشورهای اسلامی ارتباطات اقتصادی‌شان را بکلی با

این باند جنایتکار قطع کنند؛ این دیگر کمترین کاری است که میتوانند انجام بدهند؛ باید این کار انجام بگیرد. ارتباطات اقتصادی را از بین ببرند، ارتباطات سیاسی را تضعیف کنند، حملات مطبوعاتی، حملات رسانه‌ای را تقویت کنند و صریحاً ابراز کنند و نشان بدهند که در کنار ملت مظلوم فلسطین قرار دارند.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال همه‌ی ما را هدایت کند؛ دولت‌ها را، ملت‌ها را، خواص را، مجموعه‌های فعال را هدایت کند تا بتوانیم این وظیفه را انجام بدهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر مسعود پزشکیان (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.
- ۲) نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱؛ «تا عهد خداشناسی را که در فطرت آدمی بود باز طلب کنند و نعمت از یادرفته را باز به یاد آورند و گنجینه‌های دانش پنهانی را برون آرند.»
- ۳) سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۷؛ «و بر ما [وظیفه‌ای] جز رسانیدن آشکار [پیام] نیست.»
- ۴) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۶۴؛ «و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند...»
- ۵) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۲۵؛ «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نما...»
- ۶) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۴۶؛ «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند...»
- ۷) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۹؛ «پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده میشدند...»
- ۸) از جمله، سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۳؛ «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر.»
- ۹) شیخ محمود شبستری. گلشن راز
- ۱۰) گروهی از یاران پیامبر که پس از هجرت از مکه به مدینه، هنوز خانه‌ای، مسکنی، سروسامانی نداشتند و در سکوی مسجد - که صقه نامیده میشد - اسکان داشتند و آنجا زندگی میکردند.
- ۱۱) ویران